

این روزها اقتصاد ایران با دو موضوع گره خورده است: «معافیت‌های مالیاتی» و «جاماندگان از سید معیشتی». بحث اول در خصوص اعطا یا تمدید معافیت مالیاتی برخی صنوف و اقشار در لایحه بودجه ۹۹ است که دو نظر در مورد آنها وجود دارد.



نظر اول این است که دولت برای حمایت از برخی بخش‌ها، باید این معافیت‌ها را ادامه دهد و نظر دوم بر این باور است که این افراد، درآمدهای بالایی دارند و بنابراین نباید از امتیاز مالیاتی برخوردار باشند. موضوع دوم، جاماندگان از سید معیشتی دولت هستند. در این باره نیز دسته‌ای معتقدند دولت به ۶۰ میلیون نفری که مستحق‌تر نسبت به افراد دیگر جامعه بوده‌اند، یارانه حمایتی پرداخت کرده است و دسته دوم می‌گویند مکانیزم صحیحی برای شناسایی وجود نداشته و خطر جاماندگی افراد مستحق و پرداخت به غیرمستحقان وجود دارد. با این وضعیت مدلی هست که هر دو مسأله را حل کند؟ بله. تجربه بسیاری از کشورها از جمله آمریکا و انگلیس نشان می‌دهد سیستم مالیاتی مبتنی بر اظهارنامه‌های شخصی و مجموع درآمد خانوار می‌تواند علاوه بر اینکه ضریب فرار مالیاتی را کاهش دهد، مدل حمایتی دولت را نیز بهینه‌تر کند. با استقرار این نظام مالیاتی و ترکیب آن با نظام رفاهی، دولت به یک بستر اطلاعاتی جامع از درآمد افراد دست می‌یابد که می‌تواند با استفاده از آن، به جای اعطای کور معافیت مالیاتی، سیاست‌های بازتوزیعی را دقیق‌تر کند.

مدت‌هاست یکی از داغ‌ترین بحث‌های کشور، بحث یارانه‌ها و به‌طور کلی طرح‌های رفاهی برای بهبود وضعیت معیشت خانوارهای کم‌درآمد و اقشار آسیب‌پذیر است. بسیاری از اقتصاددانان و کارشناسان تاکنون نقدهای زیادی بر شیوه پرداخت [یارانه](#) در کشور داشته‌اند. یکی از راه‌های شناخت روش‌های بهینه کمک به خانواده‌های کم‌درآمد، مرور تجربه کشورهای دیگر در این زمینه است. طرح تخفیف

[مالیات](#)

بر درآمد

(EITC)

یک برنامه ترکیبی رفاهی-مالیاتی در آمریکا است که در بزرگ‌ترین

[اقتصاد](#)

دنیا به همین منظور در حال اجرا است. هدف این طرح کاهش مقدار دیون مالیاتی برای خانواده‌های

کم درآمد است. این طرح بر اساس سه عامل اصلی «درآمد سالانه»، «تعداد فرزندان وابسته» و «وضعیت تاهل» به افراد متقاضی تعلق می‌گیرد و مکانیزم اعتباری که

[دولت](#)

به افراد اعطا می‌کند به شیوه‌ای است که انگیزه افراد برای

[اشتغال](#)

به کار برای ساعات بیشتر را افزایش می‌دهد. نتایج مطالعات نیز نشان می‌دهد این طرح تا حد قابل قبولی موفق بوده است. در انگلستان نیز طرح مشابهی با نام

WTC

وجود دارد. این سیستم یک نظام یکپارچه مالیاتی-رفاهی است که با هدف حمایت از اقشار آسیب‌پذیر طراحی شده است. جزئیات این طرح نیز در روزهای آینده توسط دنیای اقتصاد بررسی خواهد شد. در این گزارش جزئیات طرح آمریکایی

EITC

بررسی خواهد شد

طرح تخفیف [مالیات](#) بر [درآمد](#) آمریکا

برنامه تخفیف [مالیات](#) بر [درآمد](#) (EITC) برنامه‌ای مالیاتی و رفاهی است که [دولت](#) فدرال آمریکا سال‌هاست در جهت امنیت اقتصادی خانوارهای کم

درآمد به ویژه خانوارهایی که دارای فرزند هستند، به اجرا گذاشته است. اولین نکته‌ای که در مورد این برنامه باید به آن اشاره کرد این است که این تخفیف صرفاً به مالیات‌دهندگان تعلق می‌گیرد. سه

[شاخص](#)

اساسی برای مقدار این تخفیف برای خانواده‌ها از سوی

[دولت](#)

در نظر گرفته می‌شود. سطح درآمد، وضعیت تاهل درخواست‌کنندگان و تعداد فرزندان وابسته سه عاملی هستند که با توجه به وضعیت هر شخص سقف درآمدی و مقدار تخفیف مالیاتی که به او تعلق می‌گیرد متفاوت است. منظور از فرزند وابسته این است که علاوه بر فرزندان خود خانواده، کودکانی نیز که به عنوان فرزندخوانده تحت سرپرستی هستند نیز مشمول این طرح می‌شود. این

[قانون](#)

در

[ایالات متحده](#)

سابقه ۴۵ ساله دارد و در سال ۱۹۷۵ بود که این قانون به تصویب رسید و ایالت رودآیلند در شمال شرقی کشور در سال ۱۹۸۶ اولین ایالتی بود که شاهد اجرا شدن این

[قانون](#)

بود. برنامه

EITC

در حقیقت مقدار دیون مالیات بر

درآمد

برای اشخاص را کاهش می‌دهد و طبق

قانون

اگر تخفیف مالیاتی که برای شخص در نظر گرفته می‌شود بزرگ‌تر از بدهی مالیاتی او باشد، این مابه‌التفاوت نیز قابل استرداد به شخص است. افراد برای احراز مشمول شدن در این برنامه باید برای نهاد سرویس درآمد داخلی آمریکا (IRS)

اظهارنامه پر کنند و در صورت احراز صلاحیت مشمول این طرح خواهند شد. مقدار اعتبار مالیاتی که برای هر شخص لحاظ می‌شود، هر سال بر اساس شاخص‌های در نظر گرفته شده متفاوت است. برخی از تخمین‌ها حاکی از آن است که ۲۰ درصد افراد دارای صلاحیت این برنامه که اکنون مشغول به کار هستند، برای این برنامه درخواستی ارائه ندادند و دولت برای بهبود نرخ مشارکت روزی را به‌عنوان روز یادآوری برای این طرح انتخاب کرده است

شرایط احراز صلاحیت

دولت آمریکا چه شرایطی را برای شهروندان خود در نظر گرفته است تا بتوانند مشمول این طرح شوند و از طرفی **فلیسفه** پشت این شرایط چیست و سیاست‌گذاران آمریکایی چه اهدافی را در این پروژه دنبال می‌کنند و اینکه آیا این طرح تاکنون موفق بوده است؟ در جواب به سوال اول یعنی شرایط احراز صلاحیت با توجه به جدیدترین آمار به دست آمده برای خانوارهای آمریکایی در سال ۲۰۱۹، خانوارهای دارای فرزند که درآمد سالانه کمتر از ۴۱ هزار **دلار** تا ۵۶ هزار دلار - بسته به تعداد فرزند و وضعیت تاهل - دارند مشمول این طرح خواهند شد. همچنین خانوارهای با درآمد پایین که فرزندی نیز ندارند مشمول این طرح می‌شوند، اما شرایط برای این خانوارها سختگیرانه‌تر و محدودتر است

به‌عنوان مثال در سال جاری میلادی برای افرادی که فرزند وابسته‌ای ندارند، درآمد سالانه پایین‌تر از ۱۵ هزار و ۵۰۰

دلار

یا برای زوج‌های بدون فرزند درآمد پایین‌تر از ۲۱ هزار

دلار

شرط درآمدی احراز صلاحیت برای این طرح است. در ضمن افراد دارای شرایط طرح اعتباری مالیات بر درآمد که بدون فرزند هستند، مشمول نرخ پایین‌تری از معافیت مالیاتی می‌شوند. همان‌طور که مشخص است، یکی از اهداف اصلی سیاست‌گذار موضوع

کودکان

است و صرف داشتن فرزند سقف درآمدی را بسیار بالاتر و نرخ معافیت از مالیات را نیز بسیار

سخت‌تر می‌کند. طبق آمار دولت فدرال در سال مالیاتی ۲۰۱۹ بیشتر از ۲۵ میلیون

[خانواده](#)

یا فرد شاغل از مزایای این طرح بهره‌مند شده‌اند و مجموعاً حدود ۶۱ میلیارد دلار از این طرح اعتبار دریافت کرده‌اند.

مکانیزم اجرای طرح

مقدار تخفیف مالیاتی که دولت فدرال برای هر فرد پذیرفته‌شده در این طرح در نظر می‌گیرد طبق سه

[شاخص](#)

اصلی وضعیت تاهل، درآمد فرد متقاضی و تعداد

[کودکان](#)

وابسته است. اما رویه تعلق گرفتن این کمک مالی به افراد و خانوارهای آمریکایی به چه صورت است؟ مرور نمودارهای این طرح برای افرادی که شرایطشان برای این طرح احراز شده است نشان می‌دهد، از اولین دلاری که به عنوان درآمد فرد در نظر گرفته می‌شود، فرایند تخصیص اعتبار یا تخفیف مالیاتی به آن فرد آغاز می‌شود. با بیشتر شدن درآمد فرد مقدار تخفیف مالیاتی که دولت فدرال به او می‌دهد افزایش می‌یابد تا جایی که به یک مقدار ماکزیمم می‌رسد. اگر مقدار درآمد فرد از مقدار ماکسیمم درآمدی که دولت در نظر گرفته باشد بیشتر باشد، دوباره نرخ تخفیف مالیاتی رو به کاهش می‌رود تا اینکه درآمد از سقف درآمدی تعیین‌شده توسط دولت بالاتر رود که در این صورت دیگر این شخص از دایره شمول این طرح خارج می‌شود. با ذکر یک مثال این مکانیزم پرداخت اعتبار مالیاتی مشخص می‌شود. به عنوان مثال اگر فردی که دارای دو فرزند وابسته است و اظهارنامه مالیاتی خود را به صورت فردی پر کرده باشد در صورتی که درآمدش کمتر از ۴۶ هزار دلار در سال باشد، می‌تواند مشمول این طرح شود. اما مقدار تخفیف مالیاتی بسته به اینکه درآمد او در کجای این بازه است، متفاوت محاسبه می‌شود. مقدار تخفیف مالیاتی از درآمد یک دلار تا اواسط بازه به صورت افزایشی

[ریشد](#)

می‌کند و پس از آن کاهش می‌شود. یعنی کسی که با شرایط بالا مشمول این طرح شود و درآمد ۱۸ هزار دلاری داشته باشد تخفیف مالیاتی بیشتری از کسی دریافت می‌کند که درآمد ۱۰ هزار دلاری دارد. سیاست‌گذار این امکان را به شهروندان آمریکایی به ویژه زوج‌ها داده است تا اظهارنامه خود را به صورت فردی

(Single)

پر کنند. امکان دارد برخی از زوج‌ها اظهارنامه خود را به دلایلی از جمله بیشتر شدن معافیت مالیاتی، به صورت فردی پر کنند. سوالی که پیش می‌آید این است که چرا این طرح به این صورت اجرا می‌شود و به طور مثال به همه افراد کمک یکسان پرداخت نمی‌شود؟ چرا با افزایش درآمد در برخی از بازه‌ها مقدار

تخفیف مالیاتی افزایش می‌یابد؟

مشوقی برای کار بیشتر

سیاست‌گذار آمریکایی در کنار هدف اصلی خود در این طرح یعنی کمک به خانواده‌های با درآمد پایین و متوسط، اهدافی جانبی نظیر تشویق [جامعه](#) به کار بیشتر را نیز [مد](#) نظر قرار داده است. در حقیقت [فلسفه](#)

مکانیزم پرداختی طرح تخفیف مالیات بر درآمد، تشویق افراد به کار بیشتر است. به همین دلیل است که مقدار اعتبار دریافتی برای فرد و خانوار در این طرح با هر دلار درآمد بیشتر افزایش می‌یابد تا جایی که به سقف تعیین شده برسد. این طرح در واقع افراد را تشویق می‌کند تا به

[نیروی کار](#)

ایالات متحده بپیوندند و در ضمن انگیزه‌ای برای شاغلان با درآمد پایین است تا

[ساعت کار](#)

خود را افزایش دهند تا بتوانند از اعتبار بالاتری در این برنامه برخوردار باشند. تحلیلگران بر این باورند که این شاخصه انگیزشی باعث شده است تا طرح

EITC

طرحی موفق قلمداد شود. مطالعات نشان می‌دهد طرح اعتباری مالیاتی در

[طول عمر](#)

خود سبب شده است تا افراد مخصوصاً

[والدین](#)

مجرد، داوطلب حضور در

[بازار کار](#)

شوند به خصوص زمانی که

[بازار کار](#)

از شرایط خوبی برخوردار است. به عنوان مثال طی مطالعه‌ای که در آمریکا انجام شد مشخص شد که گسترش طرح

EITC

در دهه نود میلادی نقش بسیار مهمی در شاغل شدن مادرانی که به تنهایی فرزندانی را بزرگ می‌کنند داشته است. اما این برنامه همواره در آمریکا زمینه‌ای برای گفت‌وگویی موافقان و مخالفان چنین طرح‌هایی را به وجود آورده است و هرکدام از طرفین با تکیه بر استدلال‌های خود له و علیه این طرح سعی در اقناع طرف مقابل داشته‌اند

گفتمان موافقان طرح

موافقان این طرح به طور کلی استدلال‌های خود را برای دفاع از این طرح در چهار زمینه مطرح می‌کنند. اولین موضوعی که موافقان بر آن تاکید می‌کنند اثر محرک این طرح بر [اقتصاد](#) آمریکا است. آنها معتقدند که این طرح و مخصوصاً قابلیت بازپرداخت

[پول](#)

به افراد سبب تزریق

[پول](#)

بیشتر به چرخه اقتصادی این کشور می‌شود و این موضوع چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت سبب تحریک اقتصاد می‌شود. دومین علتی که موافقان بر آن دست می‌گذارند عامل انگیزشی این طرح برای

[نیروی کار](#)

است. با توجه به اینکه با افزایش درآمد اعتبار هر فرد در این طرح افزایش پیدا می‌کند، افراد انگیزه بیشتری برای کار پیدا می‌کنند. بر اساس مطالعات انجام شده پنج

[صنعت](#)

اصلی که دریافت‌کنندگان این طرح در آن مشغول به کارند، عبارتند از :

[تجارت](#)

خرده فروشی، بخش مراقبت‌های بهداشتی، خدمات غذایی و بخش

[مسکن](#)

و بخش ساخت و تولید. سومین دلیلی که موافقان را بر آن داشته است تا از این طرح دفاع کنند مسائل مربوط به کودکان است. کارشناسان عقیده دارند که این طرح با آزاد کردن منابع بیشتر برای خانوار سبب می‌شود تا هزینه‌های مربوط به مراقبت از

[کودکان](#)

افزایش یابد. با یادآوری این نکته که سیاست‌گذار این طرح برای افرادی که دارای فرزند هستند، تخفیف بسیار بیشتری قائل است، پایه‌های این استدلال تقویت می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد مادران تنها در آمریکا، به ویژه آنهایی که درآمد پایینی دارند، تحت تاثیر این طرح علاقه بیشتری به استخدام و افزایش درآمد خود دارند. آخرین عاملی که مورد توافق موافقان این طرح است بهبود پس‌انداز خانوارها است که در آینده منجر به مشکلات کمتر برای مشمولان این طرح می‌شود. موسسه

IRS

این امکان را برای کسانی که شامل بازپرداخت می‌شوند، ایجاد کرده است تا پول خود را به عنوان سپرده در حساب پس‌انداز کنند یا اوراق قرضه بخرند

در کنار موافقان این طرح مخالفانی نیز در محافل آمریکایی وجود دارند. مخالفان یکی از پیامدهای این طرح را پرداختی‌های زیاد دولت عنوان می‌کنند که به هر صورت درآمدهای دولت را کاهش می‌دهد. یکی از مشکلات دیگری که مسوولان ایالات مختلف در آمریکا به این طرح مربوط می‌دانند، افزایش مخارج و افزایش [کسری بودجه](#) است. در همین راستا ایالت‌های میشیگان و ویسکانسین به دلیل محدودیت‌های مالی که در سال ۲۰۱۱ با آن روبه‌رو بودند، دست به کاهش نرخ تخفیف مالیات بر درآمد زدند. دو ایالت کنکتیکت و کارولینای شمالی نیز در سال ۲۰۱۳ دست به اقدامی مشابه زدند. آخرین محل بحث منتقدان اضافه پرداخت‌هایی است که به دلیل خطاهای فرآیندی در این برنامه رخ می‌دهد. بازرسی خزانه‌داری اداره امور مالیاتی تخمین زده است که در سال مالی ۲۰۱۳، نرخ خطای صدور تخفیف مالیاتی بین ۲۲ تا ۲۶ است. حدسیات نشان می‌دهد، مقدار دلاری این خطا بین ۱۳ تا ۱۵ میلیارد دلار برای یک سال بوده است. دلایل اصلی این خطاهای پرداختی، گزارش اشتباه در مقدار درآمد، خطا در گزارش تعداد فرزندان وابسته و اشتباه در درج وضعیت تاهل عنوان شده است. البته مشخص نیست چه مقدار از این خطاها اقدامات فریبکارانه و کلاهبردارانه باشد. یکی از راه‌هایی که در گذشته برای مقابله با این اشتباهات صورت گرفت، اجرای این برنامه بدون بازپرداخت بود. اما بعد از آن ایالت دلاور (Delaware)

که این طرح را اجرا کرده بود، گزارش داد که درصد خطاها تغییر قابل توجهی نداشته است

کاهش فقر

آیا این طرح به‌طور کلی موفق بوده است؟ گزارشی که از نتیجه این طرح رفاهی در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است نشان می‌دهد EITC توانسته است ۷/۵ میلیون نفر در [ایالات متحده](#) را از [فقر](#) نجات دهد که از این تعداد ۳ میلیون نفر کودک بوده‌اند. بدون طرح اعتباری مالیات بر درآمد، تعداد کودکان [فقیر](#)

در آمریکا می‌توانست تا ۲۵ درصد بیشتر باشد. در ضمن این طرح توانسته است شدت فقر را برای ۵/۱۹ میلیون نفر دیگر کاهش دهد که این گروه نیز شامل ۳/۷ میلیون کودک است. برخی تحلیلگران در آمریکا معتقدند این طرح بیشتر از طرح‌های مشابه موفق عمل کرده است. تاثیر این طرح بر کاهش فقر از دو جبهه عمل کرده است. یکی از طریق تخفیف مالیاتی و تاثیری که در افزایش درآمد خانوار دارد و دوم با تشویق به کار بیشتر افراد کم‌درآمد. با توجه به سطح حداقل

حقوق

دولت فدرال، تعداد قابل توجهی از خانوارها اگر مشمول طرح EITC

و هم‌چنین طرح کوپن غذایی معروف به

SNAP

شوند، این قابلیت را دارند تا از خطر فقر نجات پیدا کنند. فرار از تله

فقر

اهمیت بسیار زیادی برای

کودکان و نوجوانان

دارد. مطالعات نشان داده است با نجات هر

خانواده

از فقر نه تنها وضعیت کنونی نوجوانان بهبود می‌یابد، بلکه این تحول در آینده کودک، با بهتر کردن وضعیت سلامت، احتمال بیشتر برای تحصیلات بالاتر، موفقیت کاری و درآمد بیشتر در بزرگسالی خود را نشان می‌دهد. برخی از مطالعات که هنوز در جریان هستند، اثبات می‌کند کودکانی که از خدمات این طرح استفاده کرده‌اند عملکرد بهتری در

مدرسه

و نرخ بالاتری در قبولی کالج‌ها دارند. توزیع بهتر

ثروت

یکی از اهداف چنین طرح‌هایی در کشورهای مختلف است. یکی از شاخص‌هایی که با آن این پدیده را اندازه‌گیری می‌کنند شاخص

Suits

است. این شاخص بین ۱- تا ۱

+

است و هرچه مقدار این شاخص مثبت‌تر باشد، نشان‌دهنده این است که منافع حاصل از بازتوزیع بیشتر به اقشار کم‌درآمد رسیده است. طبق پژوهشی که در سال ۲۰۰۶ انجام شد مشخص شد مقدار این شاخص برای طرح

EITC

در حد ۰/۸۷ است که نشان‌دهنده موفقیت چشمگیر این طرح برای دهک‌های پایین درآمدی است. مطالعات نشان می‌دهد مقدار این

شاخص

برای طرح اعتبار مالیات بر درآمد بسیار بیشتر از طرح‌های مشابه خود است

ضریب جینی

نیز شاخصی است که مقدار نابرابری درآمدی را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص بین اعداد صفر و یک نوسان دارد و هر چه این شاخص به عدد یک نزدیک‌تر باشد به معنای توزیع نابرابر

ثروت

است. در مطالعه دیگری که در سال ۲۰۱۰ انجام شده است، تاثیر این طرح بر کاهش

ضریب جینی

نیز به اثبات رسیده است

منبع: روزنامه دنیای اقتصاد- شماره 4768- تاریخ 98/9/13

روابط عمومی کانون انجمن‌های صنفی دفاتر پیشخوان خدمات دولت و بخش عمومی کشور